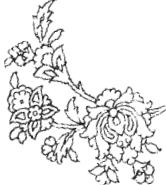


شعر سپید آیینی

زهرا محمودی^۱، دکتر عباس ماهیار^۲



تاریخ دریافت: ۹۵/۰۳/۲۵

تاریخ پذیرش: ۹۵/۰۳/۲۶

چکیده

در جریان شعر نو و اتفاقات ادبی بعد از انقلاب نیما، شاعران زیادی، انواع ادبی تازه ای را، با مضامین اجتماعی و سیاسی آمیختند و در این حوزه دست به تجربه زدند. اما تعداد انگشت شماری، بنا به دلایلی، به موضوعات مذهبی و دینی پرداختند.

آن چه در این پژوهش مورد توجه است، پیشینه‌ی شعر سپید آیینی و معرفی آثاری است که بعد از انقلاب و تحت تاثیر آموزه‌های عاشورایی و مفاهیم ارزشمند آن، توانستند جریان تازه‌ای را، به شعر معاصر تزریق کنند.

این جریان امروز، به عنوان رویکردی قابل اهمیت در بین شاعران، در حال تجربه اندوزی است. هدف از این تحقیق نقش شاعران جریان ساز پیش از انقلاب، در تقویت بنای این نوع ادبی و بررسی مؤلفه‌های شعر سپید، در شعر شاعران نوگرا و میزان موفقیت آن، به عنوان یک نوع ادبی با محتواهای آیینی، می‌باشد.

کلید واژگان: شعر سپید، شعر آیینی، روزگار معاصر، عاشورا.

۱- دانش آموخته‌ی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، کرج، ایران . mahmoodi_z79@yahoo.com

۲- استاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، کرج، ایران. Shahin.mahyar@gmail.com

پیش درآمد

برقراری رابطه‌ی ذهنی شاعر با اشیای محیط و همچنین با انسان‌ها، منجر به اتفاقی در ذهن می‌شود، که به آن شعر می‌گویند، و در فرآیند آن احساس و اندیشه‌ی شاعر نقش مهمی را ایفا می‌کند.

خواجه نصیر در معیارالاشعار آورده است: «شعر به نزدیک منطقیان، کلام مخيل موژون باشد و در عرف جمهور، کلام موژون مفهی، اما کلام، الفاظی باشد مؤلف از حروف، که به حسب وضع، بر معانی مقصود دال باشد...شعر بی الفاظ تصور نتوان کرد.» (خواجه نصیر، ۱۳۸۹: ۳)

مهمنترین عامل را در ادبیت یک اثر، مخيل بودن کلام می‌دانستند و اصرار بر داشتن وزن در شعر.

ماهیت حقیقی شعر را سه عنصر، موسیقی، خیال (احساس) و زبان تشکیل می‌دهد. درون مایه‌ی شعر، احساس است و برون مایه‌ی آن زبان. زبان، وسیله‌ی مستقیم ارتباط گرفتن با مخاطب است. در واقع ابزاری است که همواره با تغییر و توسعه همراه بوده و به بیان اندیشه‌ی انسان می‌پردازد.

«زبان شعر، با زبان هر روزه یا زبان طبیعی تفاوت دارد. یا کوبسن شعر را "کارکرد زیبایی شناسیک زبان" و "هجوم سازمان یافته و آگاه به زبان هر روزه" می‌نامید.» (براہنی، ۱۳۷۱: ۶۸)

مباحث زبانی، از جمله مباحثی است که دارای دسته بندهای علمی مشخصی است. اگرچه عناصر خیال و موسیقی برای شعریت زیان لازم است، اما کافی نیست و به لحاظ زیبایی شناسی اهمیت چندانی ندارد، ساختمان شعر باید از سطح به عمق زبان برسد، یعنی مکان اتحاد واژه و معنا. شیوه‌ی بیان و توانمندی تأثیر در نفووس، سحر بیان یا بلاغت نامیده می‌شود. بلاغتی که از گذشته تا حال در قرآن و آیات الهی اش نمودار

گردیده است. هر چه شعر دارای معنای عمیق، لطائف و ظرائف دقیق فراوان باشد در ذهن مخاطب عام و خاص، مقبولیت بیشتری پیدا می‌کند. در واقع همان نکته‌ی دقیقی که به عنوان اندیشه‌ی شعری از آن یاد نمودیم.

استاد بهار در سبک شناسی نظر، الگوی مشخصی را ارائه داد، که سبک شناسی، تنها مطالعه‌ی تاریخی نیست و برای آن وسعت و شمولی را قائل شد و آن را، دانش مستقلی نمی‌توان تصور کرد، بلکه فنی مرکب از علوم و فنون مختلف است.

پیشینه‌ی شعر معاصر

انواع سبک، سبک‌های خراسانی، عراقی، هندی، ...، سبک نو(نیمایی) که آغازگران آن؛ ابوالقاسم لاهوتی، تقی رفعت، خانم شمس کسمائی و جعفر خامنه‌ایی بوده‌اند. سیروس شمیسا سه شیوه‌ی رایج در شعر نو را معرفی می‌کند:

شعر آزاد؛ که وزن عروضی دارد، اما جای قافیه‌ها مشخص نیست، مثل شعر نیما، فروغ، اخوان...

شعر سپید؛ هرچند آهنگین است اما وزن عروضی ندارد و جای قافیه‌ها هم در آن مشخص نیست. در این شیوه فقط شعر شاملو معروف است.

شعر موج نو؛ که نه تنها وزن عروضی ندارد، بلکه معمولاً آهنگین هم نیست و قافیه هم ندارد... شعر موج نو به دشواری و تعقید معروف است...» (شمیسا، ۱۳۸۸: ۳۳۴)

با تجلی نقش ادبی زبان، گونه‌های ادبی شکل می‌گیرند. نثر یکی از این گونه‌های ادبی است که هم پای شعر و نظم، ادبیات را در نور دیده و در آثار فاخر ادبی ساختاری ادبی شده است.

نشر را برع دو نوع دانسته اند: ۱- نثر ساده یا خودکار ۲- نثر فنی یا هنری.

شعر متاور نیز از جریان‌های رایج شعر پیشرو ایران است. از دیگر جریان‌های

شعری: موج نو، شعر حجم، شعر پلاستیک، موج ناب و شعر سپید شاملویی است. شعر متئور در پایان قرن نوزدهم، به عنوان یک جریان شعری مهم قبول عام یافت. شاعر شاملو، یکی از چند شاعر بزرگی است، که بعد از دهه‌ی سی توانست موفق‌ترین نمونه‌های شعری را در این زمینه ارائه دهد و کارهای بعد از ۱۳۴۰ شاملو که در قالب متئور سروده شده، بیشتر مورد توجه قرار گرفته است، و به شعر سپید شاملویی، معروف است.

«در شعر نیمایی، زبان وسیله‌ی وصف طبیعت و وسیله‌ی ارائه‌ی روایت بود. در شعر شاملو، زبان وسیله‌ی بیان خود، برای طبیعت بیرونی و خود درونی بود. اجتماع نیز، بخشی از آن طبیعت بیرون بود... این دو شاعر هر دو زایدیه عصر روشنگری و عصر رومانتیسم بودند. مدرنیسم آن‌ها برخاسته از روایت عصر روشنگری بود و آن‌ها هر دو، شعر را وسیله قرار داده بودند، تا حقیقت را در بیرون، یا در درون کشف کنند.»
(براهنی، ۱۳۷۴: ۱۹۲)

نادر نادرپور نیز از دیگر شاعرانی است که، شعر متئور را تجربه کرده است. اخوان ثالث هم در چاپ دوم «آخر شاهنامه» چند تجربه شعر متئور داشته... تنها گلچین گیلانی و خانلری و نیما، و فروغ و توللی از مشاهیر آن سال‌ها، دست به تجربه ناموفق شعر متئور زدند.

یکی از استعدادهای شعر متئور، هوشنگ ایرانی است. درباره‌ی شعر هوشنگ ایرانی بسیار گفته‌اند. شاعری که توانست فضای جدیدی را به شعر متئور وارد کند. آثار او (بنفس تند بر خاکستری و مجموعه‌ی خاکستری، در سال ۱۳۳۱) حرکت تازه‌ای بود در حوزه‌ی شعر متئور.

شعر قدیم، با تمام تناسب‌ها و هماهنگی‌هایش به دنبال ترکیب‌سازی بود، ترکیبی که دارای تشبیه و استعاره‌های فراوان بود. اما «جمال شناسی شعر جدید، بر این تکیه می‌کند،

که شعر قدیم زیباییش از تناسب‌ها و هماهنگی‌ها برخاسته، در صورتی که زیبایی شعر جدید (یعنی شعر مدرن)، حاصل گردد خودن متناقضات است یا اموری که از مقوله‌های نزدیک به هم نیستند... هر قدر نظام پیچیده‌تر باشد معنی «ما بعدی» تر می‌شود و هر قدر نظام ساده‌تر باشد معنی «ما قبلی تر» می‌شود». (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۹: ۲۶۴)

آنچه که امروزه، در قالب ادبی یا انواع شعر، مورد توجه قرار گرفته، حضور نوعی جدید از شعر، به نام سپید است. هنوز تعریف‌هایی جامع، درباره‌ی چیستی شعر سپید ارائه نشده است.

«شعر موزونی را گویند که قافیه ندارد. در شعر انگلیسی وزن شعر سپید، آیمپ یک پنج پایه است که از سایر اوزان به وزن عادی زبان انگلیسی نزدیکتر است. شعر سپید، در ادبیات انگلیسی، نخستین بار، توسط «رل آوساری»، شاعر قرن ۱۶ برای ترجمه‌ی منظومه‌ی «آنھئيھ» اثر ویرژیل، شاعر روم باستان به کاررفت..

در شعر فارسی، شعر سپید، بر شعری آهنگین اطلاق می‌شود، که نه وزن عروضی دارد، نه قافیه و تا کنون تجربه‌ی موفقی در زمینه‌ی آن صورت نگرفته است. اما به نظر می‌رسد نوعی شعر سپید (به معنی شعر بی‌قافیه) در زبان فارسی تا عصر کمال الدین واعظ کاشفی، مولف کتاب «راغ الافکار فی صناعت الاشعار» اوآخر قرن نُه، باقی بوده است.» (سیما داد، ۱۳۸۳: ۳۱۴)

این قالب، در ادبیات انگلیسی، بر حسب ماهیت کلام و محتوا و وظیفه‌ی شعری، دو حالت اصلی گرفته است: اولی؛ شعر سپید دراماتیک و دومی، شعر حماسی. عوامل تشکیل دهنده‌ی شعر نو، به تدریج در سالیان متتمادی به وجود آمد و با توجه به پیشینه‌ی سنتی، اما غنی خود، رو به تکامل گذاشت.

آنچه که در شعر امروز، می‌تواند به عنوان ویژگی‌های شعر سپید مورد بررسی قرار گیرد، نکات زیر را شامل می‌شود:

۱- شاعر، بتواند واژه‌های درمانده را، پویا کند، مانند حافظ، که توانسته، واژه‌های مستعمل گذشتگان خود را فعال (Active) و پویا نماید، چنان که اشعارش، نو بودن را به همراه دارند. این یعنی، تجدید حیات واژه‌ها، بر مبنای زیباشناسی و رسایی یا همان بلاغت.

۲- شعر امروز، باید بیش از پیش، جوهر و محتوا داشته باشد. بیان شاعر، آگاهانه و همراه با عاطفه‌ای واقعی بوده، به دور از در هم ریختن قواعد دستوری زبان و یا هرج و مرج بی‌ربط در کلمات. در واقع پشت سر کلمات، معانی دیگر را، پنهان کرده باشد.

۳- شاعر امروز، از بطن اجتماع بر می‌خیزد، در ادامه‌ی نوگرایانی است، که پس از نیما، مسائل اجتماعی را در اشعار خود منعکس کردند، که شاعر حقیقی، خود را در قبال جهان پیرامون، مسئول می‌داند.

۴- همان طور که آشکار است، زبان به همراه جهان پیرامون، به مرور زمان، دچار تغییرات می‌شود.

شاعر نیز باید هم سو با این تغییرات، بیندیشد و همراه آن، به جهان بینی تکاملی خود دست پیدا کند و با تدبیر بیانی، به زیبایی شعر کمک کند.

۵- شکستن قالب‌های گذشته و گریز، از تکرار آن‌چه پیشینیان به آن پرداخته‌اند، به همراه انعکاس تجربه‌های جدید و نو در شعر امروز و گذر از قواعد دستوری و نحوی، که به بیان مستقل منجر شود.

۶- ارتباط درونی بین کلمات شعر، بافت کلمات مورد توجه قرار بگیرد.

۷- «اهمیت تصویر در شعر، به ویژه در شعر نو، تا آنجاست، که با اندک تسامحی، می‌توان گفت بدون دستیاری آن، سخن، حتی اگر موزون و مقfa هم باشد، از سطح نظم، نمی‌تواند بالاتر رود و به مقام رفیع شعر، برسد... منظور از شعر، تصویر است، نه نظم شرح و تفسیر، هنر نشان دادن است، نه صنعت گفتن.» (ترابی، ۱۳۷۹: ۹۷)

۸- یکی دیگر از مشخصه‌هایی که در شعر سپید، باعث موفقیت آن می‌گردد، خلق فضای مخاطب است. خلاقیت فضاسازی در شعر سپید و انتقال حس به مخاطب از عناصر قابل توجه این نوع ادبی می‌باشد و توأم‌نمدی شاعر در این که، از عنصر عاطفه در شعر موقعیت‌سازی داشته باشد.

وزن شعر سپید

شعر و موسیقی همراه لازم و ملزم یکدیگر بوده اند، حتی در شعر سپید هم با ظاهری بی وزن و قافیه نوعی موسیقی درونی دیده می‌شود. به گفته الیوت «حتی در آزادترین شعر نیز شبح یک وزن ساده باید پشت سر نهان باشد». (ترابی، ۱۳۷۹: ۷۲) طبق توضیحی که درباره شعر منتشر داده شد، شعر سپید نیز موسیقی خاص خود را دارا است، بی آن که، از نظام عروضی گذشته پیروی کند. «هر عاملی که بتواند زنجیره‌ی زبان شعر گوینده را به لحاظ موسیقایی از زبان معمولی گفتار، امتیاز بخشد، به عنوان عامل موسیقایی شعر مورد استفاده شاعر قرار می‌گیرد.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۹: ۲۴۵)

شعر آیینی

در تعریف شعر آیینی آورده‌اند: «هر مقوله‌ی شعری که صبغه‌ی دینی داشته باشد و متاثر از آموزه‌های اسلامی باشد، در قلمرو شعر آیینی قرار می‌گیرد، به طور کلی تنها مساله‌ای که شعر آیینی را، از سایر انواع شعر مجزا می‌کند، قلمرو موضوعی آن است.» (محدلشی خراسانی، ۱۳۸۸: ۲۵)

در تعریفی جامع، شعر آیینی، محدوده‌ی گسترده‌تری را شامل می‌شود. معارف قرآنی، احادیث، تحمیدیه‌ها، نعت پیامبر و ائمه، مرثیه، تمامی ارزش‌های انسانی، اخلاقیات، آزادگی، مقاومت، پایداری و حتی عارفانه‌هایی که در اشعار شاعران،

منعکس شده، زیر مجموعه‌ی گسترده‌ای از شعر آیینی می‌باشد.

بیشینه‌ی شعر آیینه

ادبیات عرب، همزمان با رشد فرهنگ اسلامی، غنی‌تر شد و بیشتر خطبه‌ها و نوشه‌ها با نیایش‌های قرآن و سنتایش پیامبر همراه بود. در زمان بنی امیه، به دلایل سیاسی شعر و شاعری مورد توجه قرار گرفت، آنان مردم را، با شعر به سوی خود جلب کرده، با صله و جایزه زیان منتقدان را خواستند کوتاه کنند و هدف آن‌ها مبارزه با مخالفان و رقیبان (اهل بیت پیامبر) بود. از سرایندگان برجسته دوره‌ی اموی؛ فرزدق، سعید حمیری، دعبدل، جریر و ابوالعتاھیه... می‌باشند.

ادبیات فارسی در طول تاریخ، سرشار از تفاسیر و مفاهیم قرآنی می‌باشد، حافظه قرآن را با چهارده روایت مختلف از حفظ داشته است و منشوی مولانا به همراه با تفسیر قرآن باشد. ادبیات عرب هم با اعجاز قرآن، پایه و اساس محکمی را پیدا کرد. بهره‌مندی از مفاهیم والا، به جای وصف شراب و مستی، یا برتری جوئی‌های قومی، قبلیه‌ای و پرداختن به فصاحت کلام و زیبایی شناسی، بزرگترین اتفاق در ادبیات عرب و زبان فارسی بود.

نگاه دوره‌ی مشروطیت، به شعر مذهبی متفاوت است؛ «هم از لحاظ اندیشه‌ی تجدید مذهبی و بزرگداشت آن؛ (که برخاسته از تعالیم سید جمال الدین اسد آبادی بود) و فکر وحدت اسلامی و توجه به ضعف و انحطاط ملل مسلمان و این که، همه‌ی این عقب افتادگی‌ها، برخاسته از دوری مسلمانان، از واقعیت اسلام است و هم از لحاظ پیدایش اندیشه‌های ضد مذهبی، در شعر این عصر، که به مناسبت درگیری با خرافاتِ بیوند یافته با مذهب، بعضی شاعران، مذهب را، مانع پیشرفت‌های اجتماعی، احساس

(۱۳۹۰، ۸۹: کدکنی)

از مهمترین آثار آیینی، که از آن دوران باقی مانده، می‌توان به مقتل‌هایی اشاره کرد، که درباره‌ی واقعه عاشورا، نوشته شده است.

مقتل

در فرهنگ معین؛ محل قتل، جای کشتن، قتل گاه... کتابی که در باب واقعه‌ی کربلا تالیف شده، جمع مقاتل.(معین، ۱۳۸۹) آن چه که مشخص است از روز واقعه، راویانی به ذکر مصیبت عاشورا پرداخته و اتفاقات را، به صورت شفاهی، برای دیگران، بازگو می‌کردد. اهل بیت نیز، برای ایستایی پرچم امام حسین(ع)، از شاعران حمایت نمودند. «یکی از معتبرترین مقاتل «مقتل الحسین ابی مخنف» است که دو نسل بعد از واقعه‌ی کربلا، مکتوب شده مقاتل دیگری هم با بهره‌مندی از این کتاب تدوین شده اند، مقاتل دیگر در مقتل الحسین عبدالرزاق مقدم، مقتل الخوارزمی، مقتل بحر العلوم، اللهوف، علی قتلی الطفووف از سید بن طاووس.» (محاذی خراسانی، ۱۳۸۸: ۳۶)

مرثیه

گریستن بر مرده و ذکر محمد وی ؟ نوحه سرایی ؟ شعری که به یاد مرده و در ذکر محاسن او و تاسف از مرگ وی گویند."(معین، ۱۳۸۹) مرثیه سرایی نیز، از روز واقعه آغاز شد. مرثیه‌هایی که از زبان امام سجاد و حضرت زینب و اهل بیت در باب حادثه‌ی عاشورا خوانده شده، شروع این نوع از شعراست، که بعد از آن، شاعران عرب و عجم، به ذکر مصیبت این فاجعه پرداختند. نشانه‌های زیادی در شعر شاعران شیعه و سنتی وجود دارد که از این مقاتل بهره گرفته‌اند. در واقع آین سوگواری در همه‌ی دوران‌ها و برای تمام مذاهب، نماد اندوه محسوب می‌شود. همان طور که قبل از درباره‌ی تراژدی سخن رفت، از ابتدا این نوع

ادبی در فرهنگ و تمدن‌های بزرگ حضور داشته و در ایران، تعزیه‌ها، روحوضی‌ها و نقالی‌های شاهنامه (مثل: تراژدی رستم و سهراب)، می‌تواند در این دسته بندی قرار بگیرد.

تجلى قرآن در شعر

حضور قرآن و حدیث، در سروده‌ی شاعران سده‌های سوم و چهارم کمرنگ است، چرا که مضمون آن، یا، بیشتر مدح و ستایش است، یا عشق و تغزل؛ شعر نیز در ابتدای راه به سر می‌برد، اما با حضور عرفان و امتراج آن با مفاهیم عاشقانه از سده‌ی هفتم به بعد، به اوچ می‌رسد.

اثر پذیری شاعران از قرآن و حدیث به شکل‌های مختلف تصویر شد و در دسته بندی‌هایی آن‌ها را قرار داده اند؛ مثل اثر پذیری واژگانی، اثر پذیری گزاره‌ای (اقتباس، حل، ...)، اثر پذیری گزارشی (ترجمه، تفسیر،) اثر پذیری الهامی، تعلیمی، تاویلی، تطبیقی، تصویری و... حتی تأثیر به لحاظ ساختمان و ساختار اثر، در شعر شاعران از قرآن، کاملاً مشهود است. چنان‌که، شباهت‌های زیادی را به لحاظ ساختاری، بین مشنوی مولوی و قرآن و غزل‌های حافظ و آیات قرآن مطرح کرده اند.

این الگو تنها، در اشعار کلاسیک دیده نمی‌شود، بلکه در سروده‌های نوسرايان هم حضور دارد.

سوره‌ی تماشا (سهراب سپهری)

به تماشا سوگند

و به آغاز کلام

و به پرواز کبوتر از ذهن

واژه‌ای در قفس است....

برگی از شاخه بالای سرم چیدم، گفتم:
 چشم را باز کنید، آیتی بهتر از این می خواهد؟
 می شنیدم که بهم می گفتند:
 سحر می داند، سحر!

(سهراب سپهری، ۱۳۹۲: ۳۵۱)

در این شعر، شباهت محتوایی آن را با آیات قرآن مشاهده می کنیم. در قرآن تعدادی از سوره ها به (عصر، شمس، قمر و...) سوگند داده شده اند. کلماتی مانند: (سوگند، سوره، رسول، آیت) به لحاظ مذهبی و قداست، به یکدیگر شبیه هستند. سوگند دادن، حاکی از تقدس و مهم بودن پیامی است که در آن، نهفته شده است. تماشا، یعنی دیدن از روی معرفت؛ کشف و شهودی عارفانه است که انسان، در هر کدام از پدیده های آفرینش، نشانی از پروردگار خود را می جوید.

نام پروردگار، همان اسم اعظم است و رسالت پیامبر، دعوت مردم از ظلمت، به سمت روشنایی است و با کلمه آغاز می شود. سخن در دل شاعر همچون کبوتری زندانی است و دل جایگاه خداست. پس: "الیه یصعد الكلم الطيب" (سوره فاطر، آیه ۱۰) روشنایی، دور از وجود انسان نیست و اگر بخواهد و درون را تطهیر کند، نور بر او می تابد. برگ بید را دیدن، تفکر فلسفی شاعر است و اشاره دارد، به آیه‌ی (هرجا رو کنید، خدا را می بینید). و رسالت شاعر که پیامبر گونه به مخلوقات خداوند می نگرد، حضور قادری مطلق را، حتی در ذره ای ناچیز اعتراف می کند و باز اشاره‌ی شاعر به همان اندیشه‌ی شرقی و عرفانی است که: "هر که فکرت نکند نقش بود بر دیوار". سحر دانستن، یادآور تهمتی است که به پیامبر و سخنان معجزه وار قرآنی ایشان، نسبت می دادند. حرف‌های شاعر، آنقدر روشن و ساده است، که آن‌هایی که نمی فهمند، آن را جادو معرفی می کنند.

شعر آیینی امروز

در شعر کهن فارسی آثار بزرگان شعر، موضع دینی داشتند، یعنی تلاش برای بیان تعلیمات و دیدگاه‌های اخلاقی و مذهبی؛ اما در دوره‌ی صفوی، شعر سرایی با موضوع مذهبی رواج بیشتری پیدا کرد و اشعار بسیاری برای بزرگان دین سروده شد. در کنار مضمون و نگرش آیینی در اشعار، قالب‌های شعری نیز دچار تحول شد. شاعران به قالب‌های کهن دوباره روی آوردن، آن هم به طرزی تازه، چون ذهن موسیقایی مردم نشات گرفته از همان قالب‌های شناخته شده بود، توجه بیشتری به این قولاب ادبی نمودند و همراه با غزل، که قالب غالباً بود، علاوه بر دیگر قالب‌های ادبی، مثنوی و رباعی نیز در اشعار آیینی، احیاء گردید. مانند مثنوی‌های علی معلم دامغانی و رباعی‌های سید حسن حسینی و قیصر امین پور؛ حتی شاعران در قالب ترکیب بند و ترجیع بند هم، با مضامین آیینی تجربه‌هایی را کسب کردند.

مضامینی که تحت تأثیر پیروزی انقلاب اسلامی، وارد شعر، در قالب‌های متفاوت شد، نشأت گرفته از اتفاقات اجتماعی و اعتقادی آن روزها بود، که می‌توان در دسته بندهای مشخص، به معرفی سرفصل این موضوعات پرداخت. استاد مجاهدی که از محققان و شاعران به نام در حوزه‌ی شعر آیینی است، مقوله‌های شعر آیینی را این گونه معرفی می‌کنند:

۱. «شعر توحیدی یا کبریایی؛ شامل مقوله‌های پرستش، نیایش و ستایش ربوبی
۲. شعر ماورایی؛ که به تبیین مقوله‌هایی از قبیل معرفت، بصیرت، عدالت، مروت و عرفان می‌پردازد.

۳. شعر خود پیرایی، که مقوله‌های پندی و اندرزی و اخلاقی در این نوع شعر بروز پیدا می‌کند.

۴. شعر رهایی؛ که از موضوعاتی سخن به میان می‌آورد، که از یک سو، در بُعد شخصی، موجت رهایی انسان، از شر نفسم، حیوانی، و سوسه‌های شیطانی، می‌گذرد

و از سویی دیگر، با عمل کردن با آموزه‌های دفاع، اعتراض، بیداری، مقاومت، جهاد و شهادت، موجبات رهایی جامعه از دام حکومت‌های استعمارگر و از زیر یوغ قدرت‌های خودکامه جهانی فراهم می‌شود.

۵. شعر ولایی؛ که به ذوات مقدس حضرات مصصومین(ع) و پیامبران و اولیای الهی و خاندان عترت اختصاص دارد و مهمترین زیر مجموعه‌های آن، عبارتند از: شعر نبوی، علوی، فاطمی، بقیع، عاشورا، رضوی و مهدوی»(مجاهدی، ۱۳۹۰: ۶-۵۵)

شاعران جریان ساز

با پدید آمدن نهضت‌های فکری، سیاسی، و اجتماعی و حضور چشم گیر قرآن، در میان توده‌ی مردم، شعر نیز دارای مفاهیم متعالی گردید. رشادت‌ها، پیام آزادی و عدالت خواهی در ذهن جامعه شکل یافت و میدان دید وسیع تری، به شاعران و مخاطبان آنان بخشید. در دهه‌ی اول انقلاب، چهره‌های نام دار و پرورش یافته در سال‌های قبل از انقلاب مثل؛ اخوان، متزوی، مشیری و... حضور دارند.

«وجود این‌ها و تجربیاتشان برای خودش بایدها و نبایدهایی را، برای ادبیات ما به وجود می‌آورد. در دهه‌ی دوم، از یک سو، چهره‌های دوره‌های گذشته، از دست رفته بودند و دست بر قضا، چهره‌های شاخص نسل اول انقلاب هم به همین ماجرا دچار شده بودند. سلمان هراتی، قصیر امین پور، سید حسن حسینی ... از کلاسیک‌ترها، نصر الله مردانی». (شفیعی، ش ۷۳: ۴۷) در این مجال کوتاه، به شعر دو شاعر تاثیر گذار، اشاره‌ای مختصر می‌شود.

طاهره صفار زاده

در عصر ما/ طوفان و سیل / در تابستان/ آتش فشان/ در زمستان/ وزلزله / در تمام فصول/

گردشگران جهانی هستند/بی پاسپورت و بلیط / به هر دیار غریبه/سر زده/پا می نهند/ این گردشگران نزیرهای زمانند..

شاعر در این شعر، تحت تاثیر قصص قرآنی، حوادثی را که در دوره‌های مختلف به عنوان عذاب کافران، نازل شده، روایت می‌کند. تصاویر اغلب ساده و گاه تکراری است، شاعر، در عین روایت تاریخ، به رویاروئی پیغمبران، با قوم کافر خود، اشاره می‌کند. بیشتر مضامین و کلمات، مختص آیات قرآن است، مانند؛ صرصر، نذیر، سلیمان و نوح... تکرار صاعقه، که تکرار عذاب ستمکاران است؛ و در آن خشک و تر با هم می‌سوزد. در پایان، راوی، زمین در حال احتضار را، در انتظار روح زمان خود می‌بیند.

قیصر امین یور

هر چند در آن روزها، خیلی به شعر نیمایی توجه نمی‌شد و هر کس در پی رساندن صدای شعر بی وزن خود به این و آن بود، قیصر امین پور، شاعری است، که مفهوم زمان را درک می‌کند و با آگاهی کامل، وارد حوزه‌ی شعر نیمایی می‌شود. آن چه که در همه‌ی آثار قیصر بیش تر مورد توجه است، آشنایی او با زبان مخاطب است. تغییرات آثار او هم در محتوا و هم در فرم صورت می‌گیرد و زمانی که حرفی برای گفتن دارد و قالب و وزن، مجالی به او نمی‌دهند، به سراغ شعر نیمایی می‌رود.

ظهر روز دهم

کودک ما در میان صحنه تنها بود/ آسمان غرق تماشا بود/ ابرها را آسمان از پیش

چشم خویش پس می‌زد

و زمین از خستگی در زیر بای او نفس می‌زد/ آسمان به طلب مم کو بید/ کودکه تنها

به سوی دشمنان مه را اند

می خروشید و رجز می خواند/ برق تیغش پاره‌ی خورشید/ لرزه ای بر قلب‌های آهنین انداخت/ دشت پر خون شد/ عرش گلگون شد/ عشق زد فریاد/ آفتاب از بام خود افتاد/ شیونی در خیمه‌ها پیچید/ بعد از آن تنها خدا می دید/ بعد از آن تنها خدا می دید... (امین پور، ۱۳۹۲: ۵۶۶)

قیصر در منظومه‌ی ظهر روز دهم، اشاره به کودک بی‌نام و نشانی، در واقعه‌ی عاشورا می‌کند و می‌نویسد: «بهتر آن دیدم که ما هم، به جای تاریخ نگاری یا داستان سرایی، بیش از آن که نام او را بجوئیم، نشان او را بگوئیم.... همان گونه که عاشورا خود در مرز و زمان و مکان نمی‌گنجد او هم از محدوده‌ی یک اسم و یک جسم کوچک فراتر است. او تصویری نیست که بتوان آن را در چارچوب یک قاب زندانی کرد، بلکه آینه‌ای است برای بی‌نهایت تصویر....» (همان: ۵۷۰)

شعر قیصر انعکاس جامعه‌ی روز خویش است و شاعر اجتماع و دردهای هم نوعانش می‌شود و درد بودن دارد.

سید حسن حسینی

گنجشک و جبرئیل، کتابی است که از فضای کلاسیک تا حدی فاصله می‌گیرد و با زبانی پخته با دورن مایه‌ای مذهبی، مهمترین اثر در زمینه‌ی شعر نو فارسی می‌گردد. دلیل زیادی برای توفیق این مجموعه وجود دارد، «این که تا قبل از انتشار این مجموعه، قدم جدی‌ای در زمینه‌ی شعر نو مذهبی برداشته نشده بود و تلاش‌های پراکنده کسانی چون استاد موسوی گرمارودی و دیگران- گرچه بسیار تأثیر گذار بود- اما، به دلیل این که متد و الگوی تازه‌ای را در قالب و محتوا (به صورت توأم و البته یک جا) ارائه نکرده بود، نتوانست به عنوان راهبردی جدی در شعر نو مذهبی معرفی شود و کلمه الگو پیدا کند. گنجشک و جبرئیل از این حیث، کتابی «الگو» به شمار می‌رود....»

و گام نخست بر زمینه‌ی بی تعریف شعر نو مذهبی است.» (تقی دخت، ۱۳۸۷: ۴۰)
«از جهتی دیگر، حسینی نشان داد که با استفاده از تکنیک و بلاغت، به زبان
امروز هم می‌شود، تعریفی برای شعر مذهبی ارائه داد، او، بر خلاف مسلک شاعران
حماسه‌ای گذشته، که سعی در ایجاد انگیزه و هیجان برای بیان مفاهیم حماسی داشتند،
تصوری تازه از واقعی دینی با کلامی تازه را وارد شعر نمود.» (همان: ۴۰-۳۹)

راز رشید

به گونه‌ی ماه / نامت زبانزد آسمانها بود / و پیمان برادری ات / با جبل نور / چون
آیه‌های جهاد/محکم

تو آن راز رشیدی / که روزی فرات / بر لبت آورد / و ساعتی بعد در باران متواتر
پولاد / بریده بریده
افشا شدی / و باد/تو را با مشام خیمه گاه/در میان نهاد و انتظار در بہت کودکانه‌ی
حرم / طولانی شد

تو آن راز رشیدی/که روزی فرات بر لبت آورد/و کنار درک تو/کوه از
کمرشکست(حسینی، ۱۳۸۴: ۳۸)

این شعر در وصف حضرت ابوالفضل(ع) است. روح حماسی در واژه‌های این
شعر در جریان، و هر کلمه سرجای خودش نشسته است. هیچ کلمه‌ای به عنوان
متراffد، قابلیت آن را ندارد که در محور جانشینی این واژه‌ها، نقشی ایفا کند. شاعر
روایت می‌کند، اما کل روایت از نظام مفهومی، تصویری و موضوعی برخوردار است.
او توصیف صرف نمی‌کند و شعر دارای خط عمودی است که مخاطب را با خود
همراه می‌کند، بدون این که از واژه‌های رو و مستعمل استفاده کند و فرصت تأویل
پذیری بیشتری به اثر می‌بخشد.

شاعر در کنار توجه به محور افقی و چینش کلام، با ژرف نگری در لایه‌های پنهان تصاویر، انسجام محور عمودی شعر، بیشتر مشخص می‌شود. او از تمام ظرفیت کلمات بهره می‌گیرد و وقتی می‌گوید: چون آیه‌های جهاد محکم.... هم از محکمات قرآن می‌گوید و هم از صلابت این آیه‌ها، یعنی کلمه‌ی «محکم» را با تمام قوتش در کار می‌نشاند و از هر سو به این کلمه نگاه کنید، استحکام در آن موج می‌زند و این همان تجربه‌ی خلاقیت زبان است.

نتیجه

موضوع قابل اهمیت در این پژوهش، پرداختن به مولفه‌های شعر سپید، به عنوان گونه‌ای از شعر، در ادبیات امروز می‌باشد و به آثار شاعرانی که در این زمینه داعیه دار، بودند، اشاره گردید. وزن شعر سپید، زبان و نقش کلمه، بررسی شد و این که شعر فراتر از سطح زبان حرکت می‌کند و قواعد را در هم می‌ریزد، تا پس از جابجای و ازگانی ساختار آن شکل بگیرد.

و آنچه که در شعر سپید باید بسیار مورد توجه قرار گیرد، محتوا یا همان ماهیت اندیشمند است و در کنار آن شکل یا قالب اثر. همان طور که گفته شد، ادبیات آیینی در شعر سپید، پیشینه قبل از انقلاب اسلامی ندارد و تا کنون پژوهشی مستقل و معنادار، در این مقوله به عمل نیامده است. توجه به محتوای آیینی، نیز در این دوره باعث شد، که شاعران در قالب سپید، مضامین مذهبی را وارد دنیای امروز ادبیات کنند و نشان داده شد، که محتوا در این برهه‌ی زمانی، دگرگون شد. شاعران دست به تجربه‌های گوناگونی، با استفاده از محتوای تازه در قالب شعر سپید زند.

در خلال تحلیل بعضی از اشعار تاثیر گذار، به نکاتی نیز، از بلاغت شعر این شاعران اشاره گردید. آثار دیگری نیز با این تعاریف در شعر شاعران این دوره، خلق

شده است که قابل تامل و توجه می‌باشند، که ذکر آن‌ها در این مقال نمی‌گنجد. امید است، این پژوهش بتواند، آغازگر تحقیقات جدی‌تری در زمینه‌ی شعر سپید امروز، با محتوای آیینی، باشد و مسیر تازه‌ای را پیش روی مخاطبان خود قرار دهد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتابل جامع علوم انسانی

منابع

۱. احمدی، بابک، ساختار و تاویل متن، چاپ سوم، جلد ۱ و ۲، نشر مرکز، تهران، ۱۳۷۵.
۲. آرین پور، یحیی، از نیما تا روزگار ما، چاپ پنجم، نشر زوار، تهران، ۱۳۸۷.
۳. اصفهانی، ابوالفرج، مقاتل الطالبین، چاپ دوم، با ترجمه رسولی محلاتی، نشر صدوق، (بی جا)، (بی تا).
۴. الهی قمشه‌ای، مهدی، قرآن کریم، چاپ دوم، نشر خانه آفتاب، تهران، ۱۳۸۸.
۵. بهار(ملک الشعرا)، محمد تقی، سبک شناسی نثر، چاپ چهارم، جلد ۱ و ۲ و ۳، نشر زوار، تهران، ۱۳۹۰.
۶. ترابی، سید محمد، نگاهی به تاریخ ادبیات ایران، چاپ دوم، نشر ققنوس، تهران، ۱۳۸۴.
۷. حسینی، سید حسن، گنجشک و جیرئیل، چاپ پنجم، نشر افق، تهران، ۱۳۸۴.
۸. حسینی، سیدحسن، شاعری در مشعر(گزیده‌ی اشعار)، چاپ چهارم، انتشارات تکا، تهران، ۱۳۸۸.
۹. حقوقی، محمد، شعر نو از آغاز تا امروز، چاپ دوم، نشر ثالث، تهران، ۱۳۷۷.
۱۰. داد، سیما، فرهنگ اصطلاحات ادبی، انتشارات مروارید، تهران، ۱۳۸۳.
۱۱. راستگو، سید محمد، تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۹۰.
۱۲. سپهری، سهراب، هشت کتاب، چاپ سوم، نشر نیلوفرانه، قم، ۱۳۹۲.
۱۳. —. صور خیال در شعر فارسی، چاپ هشتم، نشر آگه، تهران، ۱۳۸۰.
۱۴. —. موسیقی شعر، چاپ دوازدهم، نشر آگه، تهران، ۱۳۸۹.
۱۵. شمیسا، سیروس، بیان، چاپ دوم، نشر میترا، تهران، ۱۳۸۶.
۱۶. صفارزاده، طاهره‌اندیشه در هدایت شعر، نشر نزدیک، تهران، ۱۳۸۴.

۱۷. صفوی، کورش، از زبانشناسی به ادبیات، چاپ سوم، جلد ۱(نظم)، انتشارات سوره

.۱۳۹۰ مهر،

۱۸. — از زبانشناسی به ادبیات، چاپ سوم، جلد ۲(شعر)، انتشارات سوره مهر، تهران،

.۱۳۹۰

۱۹. لنگرودی، شمس، تاریخ تحلیل شعر نو، چاپ پنجم، نشر مرکز، تهران، ۱۳۸۷

۲۰. لیچ، کلیفورد، تراژدی، ترجمه مسعود جعفری، نشر مرکز، تهران، ۱۳۹۰

۲۱. محدثی خراسانی، زهرا، شعر آیینی و تأثیر انقلاب اسلامی بر آن، نشر مجتمع

فرهنگی عاشورا، تهران، ۱۳۸۸

۲۲. معین، محمد، فرهنگ اصطلاحات فارسی، چاپ دوم، تک جلدی، نشر بهزادی،

تهران، ۱۳۸۹

۲۳. ماهنامه‌ی تخصصی شعر، سال شانزدهم، آذر ۱۳۸۷، شماره ۶۳.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پریال جامع علوم انسانی